

اسلام و تجدد پس از آتاتورک

جهانی شدن ارزش ها - بخش پنجم

نوشته عبدی کلانتری

کشور دوست و همسایه ما ترکیه نمونه ای است یگانه از یک کشور مسلمان که در آستانه پیوستن به اتحادیه اروپا قرار دارد. چگونگی لیبرال شدن، اروپائی شدن، یا «غربی شدن» یک کشور مسلمان همیشه می تواند حاوی درس هایی باشد برای دیگر جوامع مسلمان: جوامعی که در چنبر دیکتاتوری های خود کامه و وابسته به غرب، یا در چنبر دیکتاتوری های تمامیت خواه ضد غرب دست و پا می زنند.

هر چند هنوز بقایای بینش های استعماری اروپائی با پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا مخالفت می کند - و ما این مخالفت ها را به طور رسمی و غیر رسمی از جانب سخنگویان فرانسوی، هلندی، یا دانمارکی می شنویم - اما با ادغام هر چه بیشتر ترکیه در بازار جهانی سرمایه، این مقاومت ها به تدریج از میان برداشته می شود. حتا پاپ بندیکت رهبر کاتولیک های جهان که تا همین چندی پیش مدافع سرسخت حفظ هویت «مسیحی» اروپا بود، سرانجام به ترکیه رفت، به زبان ترکی با مسلمانان خوش و بش کرد، کنار علی بردک اوغلو رهبر مسلمانان ترک، در مسجد آبی کفش هایش را در آورد، رو به مکه به دعا ایستاد و با سرفرود آوردن در برابر منطق سرمایه جهانی پذیرفت که مسلمانان هم می توانند بخشی از تمدن مدرن اروپائی باشند.

هراس از ترکان

هراس اروپا از مسلمانان سابقه ای چندصد ساله دارد. خاطره شکست جهان مسیحی به دست ترکان و از دست دادن شهر قسطنطنیه همواره جای خود را به شکل هراسی پنهان در آگاهی اروپائی نگه داشته است. شرق شناس پر آوازه انگلیسی - آمریکائی برنارد لوئیس حدود پنجاه سال پیش نوشت: «برای بیشتر تحصیل کردگان اروپای غربی، کلمات ترک و ترکی عواطفی را زنده می کند که از صدها سال نبرد [میان اسلام و مسیحیت] ناشی شده؛ برای بیشتر ساکنان اروپای شرقی نیز تصویر استثمارگران ترک، بخشی از آگاهی توده ای یا فولکلور شده است.»

این اسلام بود که با زور شمشیر توانست سرزمین های سوریه، مصر، آفریقای شمالی و اسپانیا را از چنگ جهان مسیحی به در آورد و به خود ادغام کند. جنگهای صلیبی واکنشی به این کشورگشایی ها بود که به نوبه خود در حملات امپراتوری عثمانی به اروپا پاسخ گرفت.

شروع اصلاحات از بالا در زمان خلافت

میراث روشنگریِ مدرن، اروپا را سرور جهان کرد. در عصر جدید، رویارویی امپراتوری عثمانی با غرب نمی توانست با حفظ عادات و ادوات سنت صورت گیرد. مصاف با غرب، از راه تقلید از آن و با شروع اصلاحات در زمان سلطان محمد دوم در امپراتوری عثمانی آغاز شد. تحت رهبری او و جانشینان اش، اصلاحاتی چون تساوی حقوقی رعایا، گسترش حق مالکیت خصوصی، بازسازی نظام آموزشی، و بازسازی بوروکراسی و ارتش شروع شد.

سکولاریسم آمرانه در زمان جمهوری

اما تنها با تأسیس جمهوری ترکیه توسط کمال آتاتورک در سال ۱۹۲۳ میلادی بود که تجدد، زیر نظارت آمرانه ارتشیان جوان، در جامعه شروع به نهادی شدن کرد. دین زیر کنترل و تابعیت دولت قرار گرفت و به حوزه خصوصی رانده شد. قوانین مدنی تازه تدوین شدند. طرز لباس مردان و زنان، شکل و شمایل ساختمانها و شهرها، و تولیدات فرهنگی نیز به رنگ اروپائی در آمد. هربار که دین قصد ورود به عرصه عمومی و سیاست را کرد، ارتش دوباره آن را عقب راند.

سالهای جنگ سرد

ترکیه در سال ۱۹۵۲ به پیمان «ناتو» پیوست که اتحاد نظامی کشورهای سرمایه داری علیه اتحاد جماهیر شوروی و اقمار آن بود. سربازان ترکی در جنگ گره همسنگر با آمریکائی ها علیه کمونیسم جنگیدند. ایدئولوژی «تجدد آمرانه»، همزمان ایدئولوژی ضدیت با کمونیسم و جنبش های کارگری در جهان بود. ترکیه، در کنار دیکتاتوری های نظامی جهان سومی در یونان، اسپانیا، آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی، متحدی طبیعی برای واشنگتن محسوب می شد. کمالیسم و فاشیسم به عنوان ایدئولوژی های مدرن و سکولار، وجوه مشترک بسیار داشتند که واشنگتن در مبارزه اش با اردوگاه کمونیستی شرق می توانست از آنها سود بگیرد.

عقب نشینی سنت ها در برابر سرمایه

با از میان رفتن اردوگاه کمونیستی در دههء آخر قرن بیستم و دور تازهء جهانی شدن سرمایه، در ساختار سیاسی ترکیه تحولاتی به وجود آمد. گشایشی سیاسی به دنبال گشایش اجتناب ناپذیر اقتصادی خود را نشان داد. سرمایه داری در ترکیه، در روند ادغام بیشتر با سرمایه جهانی، دریچه های اقتصاد را بازتر کرد. تجارت، با تحرک بیشتر سرمایه مالی به همراه سرمایه گذاری داخلی رونق گرفت؛ درهای ترکیه بیشتر از همیشه به روی بازارهای جهانی باز شد. از طریق تولید کالاهای مصرفی برای صادرات به اروپا، آمریکا و سایر کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی، شهرهای کوچک به میدان مغناطیسی بازارهای جهانی پرتاب شدند. تماس اقتصادی به دنبال خود تماس بیشتر فرهنگی را باعث می شود.

استانبول که همیشه محلی تلاقی شرق و غرب بود، باز هم هویت «جهان وطن» (یا کازموپولیتن) خود را در ابعاد تازه تری تثبیت کرد. با سربرکشیدن آسمانخراش های مالی بزرگ، با موزه ها و مراکز هنری زنده، با غنای بیشتر فرهنگی در بده بستان با غرب، و با زندگی شبانه پرهیجان که ویژگی های همهء متروپولیس ها در جهان را شکل می دهند.

سرمایه همواره و در هر شرایطی جزمیت ها را می شکند. رفتار و عادات سنتی جای خود را به فردگرایی می دهد و ارزش های جهانی طبقهء متوسط شهری - حتا زمانی که مردم دم از دین و مذهب می زنند - بیشتر در فرهنگ رخنه می کند. هم اکنون در ترکیه بیش از سیصد کانال تلویزیونی و هزار ایستگاه رادیویی فعال اند که همه چیز، از برنامه های غربی گرفته تا موسیقی محلی و برنامه های ویژهء مسلمانان را به میان مردم می برند. پرسش و شک در بارهء جزمیت های ناسیونالیستی و دینی، بحث های داغی را در رسانه ها دامن می زند.

تجدد که تا یک دههء پیش همیشه از بالا به پائین و به شیوهء آمرانه توسط جانشینان آتاتورک پیاده می شد، اکنون در همهء سطوح اجتماع از نو مورد تعبیر قرار می گیرد. نتیجهء اجتناب ناپذیر این تحولات، پلورالیسم بیشتر و تضادهای تازه تر است.

اولیگارشسی سکولار و اسلام لیبرال در عصر جهانی شدن سرمایه

جالب اینجاست که نزدیکی بیشتر به غرب، رابطهء عاطفی عشق و نفرت توأم را نسبت به همان غرب و به ویژه آمریکا تشدید می کند. ایدئولوژی تجدد گرای «کمالیسم» همانند بسیاری از ایدئولوژی های جهان

سومی در عصر مدرن، یک ایدئولوژی افراطی ناسیونالیستی نیز هست. ایدئولوژی ای که به «ترک بودن» خود افتخار می کند و در حفاظت از مرزهای پرگوهرش از قتل عام قوم کرد نیز ابائی ندارد. هنگامی که منطبق جهانی شدن سرمایه خود را به سایر نقاط جهان تحمیل می کند، به تدریج قدرت انحصاری زبندگان جمهوری تضعیف می شود؛ فرزندان خلف آتاتورک پدرسالار، که در سطوح مختلف جامعه سکولار ترکیه، در ارتش، قوه قضائیه، دانشگاهها و بوروکراسی دولتی ریشه دوانده اند، به خشم می آیند. آنها «لیبرالیسم غربی» را تاب نمی آورند.

نتیجه متناقض آن است که از درون سکولارترین بخش جامعه ترکیه، احساسات ضد غربی و ضد لیبرال سربر می کشد. تهدیدی که سه چهار روز پیش علیه جان اورهان پاموک شد نه از سوی افراطیان مذهبی بلکه از جانب ناسیونالیست های افراطی صورت گرفت.

به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه اسلامی (AKP) شاید واکنشی علیه این خودکامگی سکولار باشد. همین حزب میانه روی اسلامی است که در جهت نهادی کردن اصلاحات و پیوستن به اتحادیه اروپا تلاش می کند.

در تازه ترین نظرسنجی توسط «بنیاد مطالعات اقتصادی و اجتماعی ترکیه»، ۴۵ درصد از مردم خود را در وهله اول «مسلمان» و سپس «ترک» به حساب آورده اند. این رقمی است که از سال ۱۹۹۹، افزایشی نه درصدی داشته است. اما همزمان، حمایت از قوانین شریعت از ۲۱ درصد به ۹ درصد کاهش پیدا کرده است. درصد زنانی که هنوز حجاب اسلامی را برمی گزینند یک چهارم کمتر شده و به یازده درصد رسیده است. همسران رهبران حزب حاکم همچنان با حجاب اسلامی در جامعه ظاهر می شوند.

این شیوه از «سکولار» شدن یا «لیبرال» شدن عادات و رفتار دینی حاصل چیست؟ حرکت سرمایه را دنبال کنید و به رفتار طبقات متوسط تازه به دوران آمده در جامعه مصرفی نگاه کنید. به زنانی نگاه کنید که با ظاهر پوشیده اسلامی، با اشتیاق در بازارچه ها و بوتیک ها می چرخند و آخرین مدهای اسلامی را واری می کنند. به مراکز توریستی و هتل های کنار دریا نگاه کنید که با رعایت کامل جدائی زن و مرد برای شنا، همان رابطه اقتصادی و فرهنگی تعطیلات ساحلی در کالیفرنیا یا فلوریدا را نسخه برمی دارد. به فرزندان این طبقات نگاه کنید، پسران و دخترانی که به بهترین مدارس اروپا، کانادا و آمریکا می روند و دانش سکولار غرب را می آموزند. لعابی دینی بر پیکر سخت جان رابطه اجتماعی سرمایه، که همواره خود را در مقیاس جهانی بازتولید می کند.

منابع و لینک های مرتبط:

برنارد لوئیس:

Bernard Lewis, **From Babel to Dragomans**: Interpreting the Middle East
Oxford University Press, 2004. p.115

سولی اوزل:

Soli Ozel, **Turkey Faces West**
The Wilson Quarterly
Woodrow Wilson International Center for Scholars
Volume XXXI, Number 1, p.18

سکولاریسم و اسلام - فرازهایی از محمد آرکون، نیلگون (رادیو زمانه)

عبدی کلانتری، جایگاه دین در جامعهء مدرن، نیلگون (رادیو زمانه)

احمد سمایی: ترکیه مذهبی، ترکیه مدرن ، گوی سیاست (رادیو زمانه)